



داستانی به نام بازیگری

آرزو شاد کام

وقتی فیلم به انتها می‌رسد و تیتراژ پایانی روی صفحه‌ی نمایش نقش می‌بندد، اولین چیزی که ذهن مخاطب را درگیر می‌کند عوامل سازنده و بازیگران فیلم هستند و در این میان مهم‌تر از همه، همان بازیگر است چرا که تمام ذهنیت، خلاقیت و تلاش عوامل برای تولید یک اثر در نقش‌آفرینی بازیگر نمایان می‌شود. در واقع بازیگر تیر خلاص کارگردان محسوب می‌شود، چون بازیگر داستان فیلمنامه‌نویس و ذهنیت کارگردان را بازی می‌کند و به همین دلیل هم از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است. اما بازیگری در سینمای ایران، داستان دیگری دارد.

بازیگر یک واسطه است

بازیگر در سینما یک واسطه است، واسطه‌ی میان فیلمنامه و کارگردان که در نهایت با نقش‌آفرینی بازیگر متجلی می‌شود. چون در نهایت این بازیگر است که در فیلم دیده می‌شود نه کارگردان، صدابردار، فیلمبردار و فیلمنامه‌نویس، بنابراین نهایت انتخاب را باید برای هر نقش در نظر گرفت.

بازیگری مسئولیتی است که در کنار فیلمنامه و کارگردانی معنا پیدا می‌کند و هر یک از این سه عامل به تنهایی نمی‌تواند در خلق نقش و اثر مؤثر باشد.

ایفای نقشی است که قرار است ثبت شود و در کنار آن بخشی از وجود یک هنرمند که به خلق آن اقدام می‌کند، چرا که بازیگر باید در وجود یک نقش رخنه کند، آن را باور داشته باشد و خود را دیگر خود نبیند بلکه آن شخصیت ببیند؛ حال ممکن است این شخصیت یک فرد مثبت باشد یا یک جانی و خائن یا هر نقشی که منفی بودن را القا کند. به هر جهت بازیگر باید از دانش و هنری برخوردار باشد تا بتواند نقش‌ها را بازی کند. هر چند در جامعه‌ی سینمایی ما، این سد به راحتی شکسته شده و هر کسی که اندک عشق و علاقه‌ی به سینما دارد، خود را در جایگاه بازیگر می‌بیند و فکر می‌کند که می‌تواند بازیگر باشد. البته بازیگری به عنوان یک هنر، هم می‌تواند ذاتی باشد و هم اکتسابی چرا که برخی از بازیگران در سینما، بدون این که به کلاس رفته باشند، به راحتی می‌توانند از پس نقش‌های خواسته‌شده برآیند.

بازیگری ذاتی است یا اکتسابی؟

همان‌گونه که گفته شد، این هنر در ذات برخی از بازیگران نهفته است و به نوعی بازیگری هنر ذاتی‌شان است. البته اکتسابی بودن هم وجه دیگر قضیه است، یعنی هنرمند باید این هنر ذاتی را پرورش دهد و جهت‌دار کند، هم‌چنان که بازیگران قابل و شایسته‌ی را می‌بینیم که با تحصیلات آکادمیک در این رشته یا شرکت در کلاس‌های بازیگری، علاوه بر افزایش اندوخته‌های

ضمن آن‌که این سه عامل اولیه در کنار سایر عوامل تهیه و تولید پشت‌صحنه سبب می‌شوند تا تصویری خلق شود. وقتی فیلمنامه‌ی نوشته می‌شود، در واقع ذهنیتی توسط نگارنده خلق شده و داستانی روایتی تصویری پیدا می‌کند و حالا این کارگردان است که باید روایت را در اجرای نقش توسط بازیگر پیاده کند، اما آیا همیشه کارگردان می‌تواند ذهنیت نویسنده را به درستی در فیلم خلق کند؟ و آیا بازیگر می‌تواند آن چه را که کارگردان در نظر دارد همان‌گونه اجرا کند؟ با نگاهی اجمالی می‌بینیم که بازیگر آن چه را که به عنوان دانش، تجربه و علاقه در خود دارد، با نظر کارگردان همراه می‌کند و نقش جدیدی را بازی می‌کند و اگر هر کدام از عوامل تغییر یابند، قطعاً بازی بازیگر هم تغییر پیدا می‌کند، چرا که نگاه هر کارگردان و دید هر فیلمبردار و عوامل دیگر با هم متفاوت است و همین مسئله سبب می‌شود تا با تغییر هر یک، بازیگر هم هنر جدیدی از خود به نمایش بگذارد. اما مسئله‌ی اصلی این است که سینما بدون بازیگر یعنی هیچ! چون جلوی دوربین باید کسی باشد که به شخصیت کاغذی فیلمنامه‌نویس جان ببخشد و کارگردان هم حس و حال تصویری به آن بدهد.

بازیگر؛ ایفاگر نقش

این سؤال که آیا بازیگری ایفای نقش است یا زندگی با نقش، هم‌چنان وجود دارد اما واقعیت این است که بازیگری تلفیقی از هر دو عامل است. بازیگری



سینما باید بازیگر را بسازد و بازیگر هم سینما را و اگر هر کدام از این‌ها نتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند، جامعه‌ی از هنرمندان بازیگر و در مجموع سینما تخریب می‌شود و این شایسته‌ی هنر هفتم نیست

کارگردان تعیین‌کننده هستند و گاهی این بازیگر است که خطمشی تعیین می‌کند اما آن چه واضح است این که هر زمان که سینما به دست بازیگران بوده و به عبارت ساده‌تر بازیگرسالاری اتفاق افتاده، با مشکلاتی همراه شده و این مشکلات دامنگیر مجموعه‌ی سینما شده است. تعیین قیمت و نرخ بازیگری از سوی بازیگر، انتخاب بازیگر نقش مقابل و تعیین برخی پیش‌شرطها برای حضور در یک کار، فقط بخشی از اما و اگرهایی است که به واسطه‌ی آن بازیگران، خود را به عنوان تعیین‌کننده در کار معرفی می‌کنند در حالی که به مسایل مهم‌تری از جمله تکرار در برخی از نقش‌ها توجه نکرده و برایشان ملاک نیست و با خواسته‌های خود به نوعی در جهت اثبات بازیگر و بازیگرسالاری هستند. چنین رفتارهایی از سوی برخی نابازیگران به جامعه‌ی سینمایی لطمه وارد می‌کند و جمعی هنرمند را که نماینده‌ی جامعه‌ی هنری در قبال خواسته‌های مخاطبان هستند، زیر سؤال می‌برد.

حال باید این‌گونه به این مسئله نگاه کرد که بازیگری که به یک دانش، فن و هنر تسلط دارد چه کند که همیشه بازیگر بماند و با زمان پیش برود؟

سینما باید بازیگر را بسازد و بازیگر هم سینما را و اگر هر کدام از این‌ها نتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند، جامعه‌ی از هنرمندان بازیگر و در مجموع سینما تخریب می‌شود و این شایسته‌ی هنر هفتم نیست ■

مقاوت است؛ تمرکز و تأکید می‌کند و به واسطه‌ی همین توجه، ستاره می‌شوند؛ اما آیا کسی که ستاره می‌شود، ستاره می‌ماند؟ واقعیت این است که بازیگر در پیشرفت نقش و فیلم تأثیر بسیاری دارد اما ستاره یا بازیگر را نمی‌توان تضمینی برای فروش فیلم دانست، چون بازیگر یکی از دلایل فروش فیلم است نه تنها دلیل برای فروش یا موفقیت آن.

نکته‌ی دیگر این که بازیگران سینمای ایران، ستاره‌های جهانی نیستند؛ هرچند سینمای ایران یکی از معدود سینماهای جهانی و شناخته‌شده است اما بازیگران همین صنعت جهانی، در داخل شناخته‌شده هستند و آن‌سوی مرزها فقط در حد دریافت جایزه از چند جشنواره باقی ماندند و فراتر نرفتند. البته به‌تازگی تعدادی از بازیگران توانسته‌اند نظر جامعه‌ی سینمایی آن‌سوی آب‌ها را به خود جلب کنند که این مسئله، به دلیل نبود قوانین یا مقررات ویژه، به نوعی سینما و بازیگر را دچار مشکل می‌کند. در واقع به دلیل این که سینمای ما تعریف جامع و کاملی در این رابطه نداشته هنوز نتوانسته با چنین مسئله‌ی کنار بیاید، در حالی که اگر اصولی که سینمای ما و خانواده‌ی این سینما به آن پایبند هستند رعایت شوند این مسئله می‌تواند به رشد و تعالی سینمای ایران بینجامد.

بازیگرسالاری

سینمای ما هر از چند گاهی دچار افت و خیزهایی می‌شود؛ گاهی تهیه‌کننده و

علمی بازیگری، توانسته‌اند هنرمندان قابلی باشند. هرچند در میان بازیگران هم کسانی را می‌بینیم که به واسطه‌ی برخی ارتباطات و مسایل پشت پرده، بازیگر شده‌اند و با رعایت برخی نکات که در حرفه‌ی بازیگری و هنر جایگاهی ندارند توانسته‌اند به کار خود ادامه دهند و همچنان بدون هنر بازیگری، بازیگر بمانند و گویا در این آشفته‌بازار هر کسی که فکر می‌کند بازیگر است یا به بازیگری علاقه دارد می‌تواند در یک شب ره صد ساله را ببیماید و ستاره شود. یکی از مواردی که به این مسئله دامن زده است، انتخاب کسانی بوده که به واسطه‌ی چهره‌ی مناسب و زیبا به سینما وارد و بازیگر شده‌اند؛ اما این چهره‌ها همچنان در سینما باقی می‌مانند؟! تجربه نشان داده که غالباً چنین کسانی تاریخ‌مصرف دارند و وقتی تاریخ‌مصرفشان تمام می‌شود، از سینما حذف می‌شوند و فقط بازیگران واقعی همچنان بازیگر باقی می‌مانند. آنان که می‌آیند و حذف می‌شوند، به‌واقع بازیگر نیستند بلکه عاشقان سینما هستند؛ در واقع جماعتی از خیل عاشقان سینما که توانسته‌اند به سینما راه پیدا کنند

بازیگر یا ستاره

یکی از ویژگی‌های سینما، ستاره‌پروری است. در میان کسانی که بازیگر می‌شوند و نقش ایفا می‌کنند، تعداد معدودی ستاره می‌شوند. گویی سینما روی تعدادی به دلیل برخی ویژگی‌ها که در هر بازیگر